

## مبانی نظری و جایگاه نیروی نظامی و انتظامی در اندیشه‌های متفکران اسلامی تا

### پایان عهد صفوی

حمید اسدپور،<sup>1</sup> حسین اسکندری<sup>2</sup>

تاریخ دریافت: 1397/12/01

تاریخ پذیرش: 1398/02/11

از صفحه 89 تا 110

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ نظامی  
سال ششم، شماره بیستم، بهار 1398

#### چکیده

حمایت از موجودیت یک جامعه و حکومت و همچنین حفظ دستاوردهای یک ملت، همیشه نیاز به نیروی نظامی و انتظامی را ضروری ساخته است. نیروهای نظامی و انتظامی در شکل‌گیری و تداوم حکومت‌ها نقش اساسی داشته‌اند. پس در هر جامعه‌ای، نیروهای نظامی و انتظامی حافظ حکومت در برابر آشوب‌های داخلی و تهاجمات بیگانه بوده‌اند. شناخت و تحلیل مبانی و جایگاه این نیروها به مفهوم آگاهی یافتن از بخشی از هویت یک جامعه است. کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. به‌ویژه آن‌که ایران در موقعیت جغرافیایی خاصی قرار گرفته است که به‌واسطه آن، بارها آماج هجوم‌های مختلف گردیده است. این موقعیت جغرافیایی، اهمیت نیروهای نظامی و انتظامی را در ایران دوچندان ساخته است. بر اساس همین اهمیت، متفکران و اندیشمندان از عالمان و دیوان‌سالاران ایرانی و اسلامی به مبانی این نیروها و جنبه‌های مختلف آن در آثار خود توجه خاصی داشته‌اند. سؤال اساسی این پژوهش آن است که جایگاه نیروهای نظامی و انتظامی در اندیشه‌های اسلامی چگونه تبلور یافته است؟ به نظر می‌رسد که اهمیت مسئله جهاد و غزا و بهره‌گیری این اندیشمندان از پشتوانه‌های نظری ایران باستان و همچنین آیات قرآن و روایات اسلامی باعث شد که مبانی نظری نیروهای نظامی و انتظامی در آثار آن‌ها جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص دهد. از سوی دیگر، توجه به مسائلی مانند مرزداری، اجرای حدود و احکام الهی و همچنین حفظ جایگاه و کبان خلافت نیز باعث توجه به مبانی این نیروها شده است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که عالمان و دیوان‌سالاران ایرانی در آثار خود، با توجه به مبانی ذکر شده و اوضاع سیاسی هر دوره، توجه خاصی به نیروهای نظامی و به‌ویژه انتظامی داشته‌اند و وجود آن‌ها را از ضروریات حکومت و جامعه برشمرده‌اند. این پژوهش کوششی جهت تبیین مبانی نظری نیروهای نظامی و انتظامی در اندیشه‌های این متفکران است که با روش تحلیلی توصیفی به این نظریات پرداخته شده است.

#### کلید واژه‌ها

مبانی نظری، متفکران، نیروی نظامی، نیروی انتظامی، ایران.

1- استادیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس بوشهر (نویسنده مسئول): Asadpour22@gmail.com  
2- دکترای تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه خلیج فارس بوشهر. پژوهشگر تاریخ: Hoes1355@gmail.com

## مقدمه

در طول تاریخ بشر، جنگ همیشه همراه و همزاد او بوده است. گاهی جنگ با ممنوع و زمانی با طبیعت روی داده است. بشر از همان روزهای اولیه زندگی خود در غارها با پدیده جنگ سروکار داشته است و نبرد در اشکال تدافعی و تهاجمی خود را نمایان ساخته است. پس از آوردن بشر به زندگی گروهی و یکجانشینی، بازهم پدیده دفاع انسان از خود و دستاوردهایش مهم تلقی شده است. با گسترش زندگی گروهی و به وجود آمدن تقسیم‌کار، عده‌ای به مسئله جنگ و دفاع پرداختند و به‌این ترتیب هسته‌های اولیه نیروهای نظامی و انتظامی شکل گرفت. پس نیروهای نظامی و انتظامی از یکسو زائیده نیازهای جوامع و از سوی دیگر انعکاسی از اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده‌اند. این مسائل باعث اهمیت دوچندان نیروهای نظامی و انتظامی شده است. این اهمیت سبب گردید که بشر در آثار مکتوبش نیز به آن بپردازد. ورود اندیشه‌های نظامی و انتظامی به اسطوره‌ها، آئین‌ها و ادیان بشری نیز، اهمیت آن را هرچه بیشتر نمودار ساخت. در ایران دوره اسلامی نیز که متفکران و اندیشمندان از یکسو از پشتوانه‌های نظری ایران باستان در مورد این مسئله بهره‌مند بودند و از سوی دیگر از مبانی نظری قران و روایات اسلامی بهره می‌گرفتند، به مبانی نظری این نیروها در آثار خود و جنبه‌های مختلف آن توجه نمودند. این پژوهش تلاشی جهت تحلیل آرای این متفکران در مورد جنبه‌های مختلف نیروهای نظامی و انتظامی می‌باشد. سؤال اساسی این پژوهش آن است که جایگاه نیروهای نظامی و انتظامی در اندیشه‌های اسلامی چگونه تبلور یافته است؟ همچنین این اندیشمندان به کدام جنبه‌های اساسی این نیروها توجه نموده‌اند و در پرداختن به این مبانی متأثر از چه مسائلی بوده‌اند؟ به نظر می‌رسد که این متفکران به دلیل اهمیت مسئله جهاد و تأکید بر استواری و مشروعیت حکومت‌ها که وابسته به نیروی نظامی و انتظامی بود در آثار خود به مبانی این نیروها پرداخته‌اند. همچنین دیوان‌سالاران نیز به دلیل آنکه اداره منظم جامعه وابسته به قدرت نیروهای نظامی و انتظامی بود به این مسئله توجه نموده‌اند. این متفکران ضمن توجهی که به وظایف و منافع نظامیان، شیوه‌های آرایش نظامی، تدارکات، مزداری و رفاه لشکریان داشته‌اند در تدوین اندیشه‌های خود در مورد این

موضوع، متأثر از شرایط مختلف و به‌ویژه شرایط سیاسی بوده‌اند. لازم به ذکر است که در اثر مستقلی به این موضوع پرداخته نشده است.

### 1. مبانی نظری نیروی نظامی و انتظامی در ایران باستان

در اسطوره‌ها و اندیشه‌های مذهبی ایران باستان به مسئله نیروی نظامی و انتظامی توجه شده است. فلسفه وجودی این نیروها و اهمیت آن‌ها، جهت مبارزه با شر، بدی، تاریکی و گروه اهریمنی بوده است. در شاهنامه فردوسی از همان آغاز، اندیشه نظامی و ترتیب دادن ارتش جهت مبارزه با دیوان در داستان کیومرث مطرح می‌شود:

که من لشکری کرد خواهم همی  
خروشی برآورد خواهم همی  
سپاهی دد و دام و مرغ و پری  
سپهدار پر کین و کندآوری  
بیامد سیه دیو با ترس و باک  
همی باسمان بر پراکنده خاک  
بیازید هوشنگ چون شیر جنگ  
جهان کرد بر دیو نستوه تنگ (فردوسی، 1386: 13)

در داستان جمشید نیز ابتدا مسائل نظامی مورد توجه قرار می‌گیرد:

نخست آلت جنگ را دست برد  
در نام جستن به گردان سپرد  
به فر کیی نرم کرد آهنا  
چو خود و زره کرد و چو جوشنا (همان: 14)

اهمیت نیروی نظامی و انتظامی در اسطوره‌های ایرانی به شکلی است که نظامیان همواره به‌عنوان یک گروه مهم در حکومت‌ها جایگاه خاصی پیدا کرده‌اند:

صفی بر دگردست بنشانند  
همی نام نیساریان خوانند

کجا شیر مردان جنگ آورند

فروزنده لشکر و کشورند

کز ایشان بود تخت شاهی به جای

در ایشان بود نام مردی به پای(همان: 15)

در اندیشه‌ها و اسطوره‌های ایران نیز به خدایانی مانند/یندره برمی‌خوریم که باوجود آن‌که خدای باران‌های سیلابی می‌باشد، خدای جنگ و نبرد نیز به شمار می‌آید (آموزگار، 1374: 11). از دیگر خدایان ایرانی که برای ایشان جنگ و جنگاوری توصیف شده است مهر یا میترا است. در اوستا به مهر توجه خاصی شده است و حتی ابزارهای نظامی او نیز توصیف گردیده است. چنانکه در بخش یشتها، مهر با گردونه‌ای توصیف می‌شود که هزار تبرزین دوتیغه، هزار نیزه خوش‌ساخت، هزار خنجر، چند هزار گرز آهنین و همچنین گرز زیبایی با چند تیغه دارد (اوستا، 1343: 231). گردونه مهر به شکلی است که نه‌تنها برای راندن در مسیر آسمان و مسیری که خورشید تعیین می‌کند بلکه انباشته از سلاح‌های کشنده نیز می‌باشد (رضی، 1381: 188). در خود آئین مهر نیز توجه خاصی به مسئله جنگ و نیروی نظامی شده است. سومین مقام و مرتبه از این آئین، مرتبه سربازی است که سرباز دارای جامه و لباس مخصوص و همچنین کلاه خود و نیزه است (همان: 568). در این آئین مسئله نظامی‌گری چنان اهمیت یافت که مهر در نگاره‌های پس از دوران اولیه مهرپرستی دیگر سوار بر گردونه نیست بلکه سوار بر اسب که مرکب اصلی جنگی آریایی است، نشان داده می‌شود (دین مهر، 1380: 240).

در اندیشه‌های زرتشت نیز به جنگ، نظامی‌گری و نیروی انتظامی پرداخته شده است. چنانکه در یسنا آمده است «که به رزم گمراه‌کننده ناپاک و تباه‌کننده زندگی که گفتار این آئین را در یاد دارد اما در کردار نیاورد رزم افزار بگیر» (اوستا، 1343: 121). باوجود توصیف‌های متعددی که از جنگ و نظامی‌گری در اوستا یافت می‌شود ولی بیشتر اندیشه‌های زرتشت در ارتباط با جنگ بین خیر و شر است. چنانکه اشاره می‌کند «سپند مینو و اهریمن برای به چنگ آوردن فر به دست نیامده کوشیدند و هر یک چالاک‌ترین تیر خویش را از پر، گسیل داشتند و سرانجام منش بد شکست خواهد خورد و منش نیک بدان پیروز شد» (همان: 298). به‌واقع پیروزی خیر در جامعه و ثبات آن، نیازمند نیروی نظامی و انتظامی می‌باشد. در آثار مربوط به اسطوره‌های ایرانی و به‌ویژه

شاهنامه فردوسی، جدای از اهمیت تشکیل این نیروها، به انگیزه‌های افراد جهت پیوستن به نیروهای نظامی و انتظامی نیز اشاره شده است. گاهی این انگیزه‌ها و محرک‌ها درونی و فراتر از انگیزه‌های مادی بوده‌اند و گاهی نیز با انگیزه‌های مادی، غارتگرانه و ظلم و ستم به مردم می‌باشند. چنانکه در داستان ضحاک آمده است:

ز بیدادگر شاه و ز لشکرش

و زان رسم‌های بد اندر خورش (فردوسی، 1386: 17)

هم‌چنین در داستان افراسیاب، تلاش جهت گسترش قلمرو با محرک‌های مادی و واداشتن سپاهیان به جنگ، مطرح می‌گردد:

در گنج بگشاد و روزی بداد

دلش پر زکین و سرش پر زباد

گله هر چه بودش به دشت و به کوه

ببخشید بر لشکرش هم‌گروه (همان: 296)

برخلاف موارد فوق در داستان فریدون و ضحاک، انگیزه‌هایی فراتر از انگیزه‌های مادی، جهت امور نظامی و انتظامی مشاهده می‌شود:

کنون کردنی کرد جادو پرست

مرا برد باید به شمشیر دست

بپویم به فرمان یزدان پاک

برآرم زایوان ضحاک خاک (همان: 19)

فردوسی با وجود پرداختن به اندیشه نظامی‌گری، بازهم تلاش دارد تا از جنگ بیهوده بپرهیزد. چنانکه منوچهر به نظامیان توصیه می‌کند:

شما گر همه کینه‌دار منید

وگر دوستدارید و یار منید

همه مهر جویدید و افسون کنید

ز تن آلت جنگ بیرون کنید

از این پس به خیره مرزید خون  
که بخت جفاپیشگان شد نگون (همان: 36)

جدای از اندیشه‌های مذهبی و اسطوره‌ای ایران باستان، جامعه آریایی نیز از همان آغاز شامل قشرهایی مانند روحانیون، جنگجویان و کشاورزان و شبانان بود (شهبازی، 1375: 22). در ایران باستان و به‌ویژه در دوره ساسانی جهت پیوند دین و دولت و از میان بردن حکومت‌های ملوک‌الطوایفی به نیروهای نظامی و انتظامی و مبانی آن توجه خاصی شد. چنانکه طبری در بیان به قدرت رسیدن اردشیر بابکان و ذکر جنگ‌های او با پادشاهان، از نقش این نیروها سخن می‌گوید. (طبری، 1385: 580-854). اهمیت این نیروها در این دوره چنان است که در مبانی نظری، دوام و استحکام حکومت را از آن‌ها می‌دانند. انوشیروان اعلام می‌دارد «مملکت را سپاه نگه دارد و سپاه را از خواسته چاره نیست و آن خواسته از رعیت باید ستدن و آن وقت که به سپاه حاجت آید اگر از رعیت ستانی در آن شتاب بر رعیت حمل مؤنت افتد» (بلعمی، 1337: 170؛ مسعودی، 1344: 264). به‌واقع خسرو انوشیروان، سرسلسله همه امور در جامعه و دوام حکومت را از نیروهای نظامی و انتظامی می‌داند.

در آئین‌های دوره ساسانی مانند مانویت نیز به مسئله جنگ و سپاه پرداخته شده است، با این تفاوت که در این آئین‌ها، جنگ و نبرد با شر و تاریکی است و جنگجویان مجهز می‌شوند تا با نیروی شر و تاریکی با اسلحه نور و روشنایی نبرد کنند. این اسلحه همان نفس و روح انسان است. در این نبردها، جنگجویان، شکستی داوطلبانه می‌پذیرند تا بتوانند با ورود به دنیای تاریکی، جهت پیروزی بر آن آماده‌تر گردند (ویدن گرن، 1376: 69 و 70).

در آثار بازمانده دوره ساسانی که جهت خلفای عباسی ترجمه شد نیز منابعی راجع به مبانی این نیروها وجود دارد. از آن جمله کتاب آئین‌نامه که هرچند مربوط به بازی چوگان است ولی بخش‌هایی از این کتاب به بحث در مورد چگونگی قرار گرفتن سربازان در جناح‌های مختلف ارتش، قرارگیری سواران در صف مقدم، انتخاب محل مرتفع برای قرار گرفتن قلب لشکر و چگونگی نبردهای تهاجمی و تدافعی پرداخته است (اینوستراتس، 1348: 54 و 55). از دیگر کتب این دوره، کارنامه اردشیر بابکان است که هرچند به‌صورت نیمه افسانه‌ای به شرح وقایع پرداخته است ولی در آن به‌خوبی

ابزارهای نظامی رایج، شیوه‌ها و ترتیب قرارگیری نظامیان در میدان‌های نبرد و تنوع جمعیتی نیروهای نظامی توصیف شده است (کارنامه اردشیر بابکان، 1369: 39 و 44). ابن‌مسکویه نیز ضمن بیان اندرزنامه اردشیر بابکان، یکی از مهم‌ترین اندرزهای اردشیر بابکان را ایمنی مرزها و نگاهداری سرزمین‌ها می‌داند (ابن‌مسکویه، 1369: 116). هم‌چنین اردشیر در این اندرزنامه با وجود آن‌که مردم را از جنگ بیهوده بر حذر می‌دارد ولی باز هم بر پاسداری از مرزها و پایداری در برابر دشمن، آن‌هم با استفاده از نیروهای همدل و همراه با پادشاه تأکید دارد (همان: 119-120).

## 2. مبانی نظری نیروهای نظامی و انتظامی در قرآن و نهج‌البلاغه

ایرانیان از همان آغاز گسترش اسلام در ایران، ضمن آشنایی با آیات قرآن و روایات اسلامی با مبانی جنگ و جهاد و نیروی نظامی و انتظامی نیز آشنا شدند. در آیات متعددی از قرآن به مسئله جهاد، اهمیت و انگیزه‌های آن و تجهیز این نیروها پرداخته شده است. قرآن، جهاد کنندگان را دارای انگیزه‌ها و پاداش اخروی و معنوی می‌داند و حتی یکی از ویژگی‌های انسان‌های هدایت شده را جهاد کردن با مال و جان در راه خدا معرفی می‌کند (قرآن، توبه، 20 و 44، بقره، 216، 271 و 244، نساء، 74، انفال، 74 و 75 و عنکبوت، 69). هم‌چنین انگیزه‌های تشکیل نیروی نظامی و انتظامی را از بین بردن کفر و فساد و مبارزه با منافقین می‌داند و از مردم خواسته شده است که با آلات جنگی، اسبان سواری و به‌طور کلی مجهز به‌سوی دشمن حرکت کنند (همان: توبه 41، انفال 39 و 33، نسا 71، تحریم 9 و محمد، 7). هرچند در قرآن در کنار جنگ و اهمیت نیروی نظامی، تلاش برای ایجاد صلح نیز توصیه شده است (همان: انفال 61 و بقره 192). هم‌چنین در قرآن بر مرابطه و حفظ مرزها توصیه شده است (آل‌عمران، 200) و تأکید این آیه بر حفظ مرزهای جغرافیایی و هرگونه آمادگی در برابر دشمن می‌باشد.

در نهج‌البلاغه نیز به مسئله جنگ و نظامی‌گری و ابعاد مختلف آن توجه گردیده است. در این اثر به انگیزه‌ها و دلایل تشکیل سپاه، تاکتیک‌های نظامی و خصوصیات نظامیان پرداخته شده است. امام علی(ع)، دلایل تشکیل سپاه را دفاع از دین (نهج‌البلاغه، 1389: 365) و نابودی گروهی مانند بنی‌امیه، دور کردن ظلم و ستم (همان: ۴۷۵، ۳۶۵ و 55) و وسیله‌ای برای ذلت و خواری دشمنان و پیکار با

پیمان شکنان می‌داند (همان: 387 و 75). هم‌چنین در این اثر به تاکتیک‌های نظامی مانند عقب‌نشینی ساختگی برای هجوم دوباره به دشمن (همان: 253)، تحریک معنوی سربازان پیش از شروع جنگ (همان: 221 و 167) و آموزش اصول جنگی مانند عدم آزار فراریان و مجروحان نیز اهمیت داده شده است (همان: 253). باوجود همه تأکیدی که در نهج‌البلاغه بر تشکیل نیروی نظامی و جهاد می‌باشد، باز هم نظامیان مسلمان، از شروع جنگ و شتاب در آن، بر حذر داشته می‌شوند (همان: 267). امام علی (ع) بر اهمیت حفظ مرزها نیز تأکید نموده است (همان: 191 و 238) و به سرزنش برخی فرماندهان به دلیل عدم مراقبت از مرزها پرداخته است (همان: 437). با توجه به اهمیت مبانی نظری این موضوع در اندیشه‌های ایرانی و به‌ویژه اسلامی بود که متفکران ایرانی اسلامی در آثار خود به آن پرداختند. حال، اندیشه‌های آن‌ها در قالب گروه‌هایی مانند عالمان دینی، دیوان‌سالاران و مورخان بررسی می‌شود.

### 3. مبانی نظری در اندیشه‌های عالمان دینی

در دوره اسلامی تا آغاز عهد صفوی، عالمانی مانند فارابی، ماوردی، امام محمد غزالی، خواجه‌نصیرالدین توسی و فضل‌الله بن روزبهان خنجی به نظریه‌پردازی در مورد این موضوع پرداخته‌اند. فارابی بهترین جامعه را مدینه فاضله می‌داند و از دیدگاه او ریاست مدینه فاضله باید دارای جسم قوی و آگاه به فنون جنگ باشد و بتواند وارد میدان نبرد شود (نعمه، 1367: 412). او تأکید دارد که ریاست آرمان‌شهر موردنظرش باید دارای هنر جنگی باشد، به صورتی که هم به‌عنوان یک سپاهی و هم فرمانده جنگی فعالیت کند (جمشیدنژاد، 1388: 152) و جنگی که با رهبری او باشد نبردی عادلانه و شرافتمندانه می‌داند (ظریفیان، 1376: 27). او هم‌چنین معتقد است که ریاست مدینه فاضله، مجری و رواج دهنده شرایع و قوانین است (داوری اردکانی، 1382: 161). اعتقاد او در بحث مربوط به فضایل عملی انسان آن است که تحصیل فضایل گاهی از طریق تعلیم و زمانی از راه تأدیب می‌باشد. در بخش تأدیب، ممکن است برخورد با طاغیان و متمردان باشد که انسان گاهی ناگزیر از انجام آن است (همان: 146). مسلماً اجرای قوانین و برخورد با طاغیان، بدون نیروی نظامی و انتظامی قدرتمند امکان‌پذیر نیست. او بر سلامتی بدن انسان و داشتن جسم قوی تأکید دارد و حتی دستوراتی جهت سلامتی



بدن ذکر می‌کند (فارابی، 1371: 85). در واقع امور نظامی و انتظامی نیز مستلزم داشتن جسم قوی و سلامتی است. از این رو توصیه‌های فارابی می‌تواند به داشتن سپاهی با افراد نیرومند، منجر شود.

ماوردی از دیگر عالمانی است که بارها در مهم‌ترین اثرش یعنی احکام السلطانیه به این موضوع توجه نموده است. در این اثر او بابی را به مسئله جهاد اختصاص داده است و در آن باب به بررسی مسائل مربوط به اداره سپاه و جنگ پرداخته است. ماوردی با توسل به آیات قرآن به دلایل تشکیل نیروهای نظامی و انتظامی توجه نموده است و جنگ با مشرکانی که از پذیرش اسلام سرباز می‌زنند را از مهم‌ترین این علل می‌داند (ماوردی، 2001: 19، 121 و 126). او اهمیت نیروهای نظامی و انتظامی را علاوه بر نبرد با مشرکان، جنگ با اهل فساد، راهزنان و طایفه‌ای از مسلمانان می‌داند که حاضر به اطاعت و همراهی با جمیع مسلمانان نیستند (همان: 184 و 194). نظریات ماوردی در شرایطی مطرح می‌شود که برخی فرق اسلامی مانند شیعیان حاضر به اطاعت خلیفه عباسی نمی‌باشند. به‌واقع، نظریات ماوردی در باب این نیروها نوعی دفاع از حریم خلافت عباسی است که مورد مخاطره قرار گرفته است. تلاش این فقیه اهل سنت، حفظ مشروعیت هرچه بیشتر خلیفه عباسی است. او در آرای خود، به جنبه‌های مختلف امور مربوط به نیروهای نظامی مانند تقسیم غنائم، حقوق نظامیان و نقش فرماندهان و وظایف آنان (همان: 135 و 156) و حتی عدم تجاوز سپاهیان به زنان و کودکان، انتخاب میدان مناسب جنگ، نزدیکی میدان نبرد به چراگاه و دسترسی آسان سپاهیان به آب و آذوقه نیز اهمیت داده است (همان: 137، 141، 143). این متفکر مسلمان، حتی در باب مربوط به وظایف امام نیز به نوعی به مسئله نیروی نظامی و انتظامی می‌پردازد. چنانکه او حفظ سرزمین‌های اسلامی از تهدیدات خارجی و آشوب‌های داخلی و ایجاد فضایی امن برای امرارمعاش مردم را از وظایف امام برشمرده است (لائوست، 1355: 384). قدر مسلم، جهت انجام چنین اموری، وجود نیروی نظامی و انتظامی ضروری است. ماوردی در این باب نیز، مسائلی مانند حفاظت از مرزها توسط سپاهیان و تهیه مهمات و آذوقه جهت نگهبانان مرزی را یادآوری نموده است (همان: 385).

از دیگر عالمان، امام محمد غزالی می‌باشد که نظریاتش در این موضوع مشابه ماوردی است. او یکی از خصوصیات و ویژگی‌های داوطلب امامت را داشتن توانایی نه تنها در

اداره امور کشوری بلکه اداره امور لشکری می‌داند (همان: 365) و در تداوم بحث امامت، اجرای حدود که از مهم‌ترین آن‌ها مجازات طغیان کنندگان علیه حکومت را بر می‌شمارد (همان: 385). او هم‌چنین به چگونگی تقسیم غنائم بین سپاهیان و حتی بازخرید نظامیانی که در جنگ اسیر دشمن شده‌اند توجه دارد. هرچند در دیدگاهش، راه مسالمت‌آمیز را بر جنگ ترجیح می‌دهد (همان: 396). غزالی بر موضوع دارالکفر و دارالاسلام تأکید فراوانی دارد و اعلام می‌دارد که «ثغرها باید آبادان بماند بفرستادن سپاه و لشکر» (غزالی، 1361: 98 و 106). قدر مسلم حفظ مرزها نیازمند نیروی انتظامی نیرومند می‌باشد. هم‌چنین این متفکر مسلمان، در جهت اهمیت نیروی انتظامی، با توسل به تاریخ ایران باستان و روایات اسلامی، به آبادانی قلمرو اسلامی و مقابله با ظلم و ستم توجه دارد و آن را وابسته به نیروهای نظامی و انتظامی می‌داند (همان: 124 و 100). مهم‌ترین اثری که غزالی در آن به مسئله جنگ و جهاد و تشکیل سپاه پرداخته است، تحفه‌الملوک می‌باشد. غزالی این کتاب را در اوج جنگ‌های صلیبی نوشت. به‌واقع این اثر، یک جهادنامه است که سلطان را در زمانی به جهاد دعوت می‌کند که تمامیت اسلام در خطر است و حتی تأکید دارد که مسائلی مانند اختلافات بین شافعی و حنفی نادیده گرفته شود (زرین‌کوب، 1373: 164). پس تا پیش از حمله مغول، اندیشه سیاسی متفکران و فقهای اسلامی که به‌طور عمده اهل سنت می‌باشند، در باب مسائل نظامی و انتظامی دارای یک ویژگی مشترک و همگانی می‌باشد و آن توجیه و تفسیر اهمیت مبانی نظامی و انتظامی جهت حمایت از خلافت عباسی است. البته این متفکران از ابتدا بر این مبنا و فرض نبوده‌اند که در جهت این حمایت، به ارائه یک تصویر شرعی از خلافت آرمانی و ایده‌آلی بپردازند و یا فقط به بیان تئوریک فقهای مبانی حکومت اسلامی به شیوه‌ای ذهنی و آرمانی روی آورند که هیچ‌گاه در صحنه تاریخ ظاهر نشده است، بلکه به‌طور مشخص، اندیشه‌های خود را در باب مسائل نظامی و سیاسی را با توجه به نمونه‌های موجود تاریخی در مورد تاریخ سیاسی و حکومتی اسلام، تفسیر آن تاریخ و شرعی نمودن وقایع رخ داده بر اساس منابع شرعی و فقهای پایه‌گذاری کرده‌اند. در اکثر موارد، نظرات و اندیشه‌های سیاسی آنان، در مورد نیروی نظامی و انتظامی ناشی از توجه به وقایع سیاسی و اجتماعی بوده است؛ زیرا از دید فقها و صاحب‌نظران اهل سنت در قرن سوم، چهارم و پنجم هجری عمده‌ترین تهدید از

جانب ملاحظه، قمرمطیان، باطنیه و روافض علیه خلافت عباسی صورت می‌گرفت و هم چنین امر مهم، حفظ مرزها در برابر دشمنان مسلمانان بود.

در قرون بعد باوجود حملات ویرانگر مغول در زمان چنگیزخان و نوه‌اش هلاکو، عالمی مانند خواجه‌نصیرالدین توسی که خود در دستگاه دیوانی ایلخانان فعالیت دارد به مسئله نیروی نظامی و انتظامی پرداخته است. نگاه او به شکلی است که نیروی مغول را از آسیب‌های جدی به مردم دور نگاه دارد و نیروی گریز از مرکز آن‌ها را مهار کند. او در آثار خود به رفاه لشکریان توجه دارد و در نصایح خود به اباقاخان، دادن سلاح، چارپای و علوفه به لشکریان و تعجیل در آراسته کردن آن‌ها برای مبارزه با یاغیان را خواستار می‌شود (راوندی، 1382: 178). وی در کنار رسیدگی به اهل قلم یعنی علما، فقها، قضات، مهندسان، منجمان، شعرا و اطبا و رسیدگی به اهل معامله یعنی تجار و صاحبان حرف و اهل زراعت یعنی کشاورزان، خواستار توجه به اهل شمشیر یعنی نظامیان است و توجه به نظامیان را باعث قوام و دوام ملک می‌داند (همان: 181). خواجه نصیر در رساله گشایش‌نامه، با توسل به حدیث نبوی «المک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم» نابودی ظلم و دوام ملک را در رعایت عدالت و انجام آن را وابسته به نیروهای نظامی و انتظامی و تأکید بر رسیدگی فراوان به نظامیان می‌داند (توسی، 1341: 126).

در عهد صفوی یکی از علمای اهل سنت و از مخالفان حکومت صفوی یعنی فضل‌الله بن روزبهان خنجی که به‌عنوان متفکر و مورخ دربارهای آق قوینلو و ازبکان فعالیت می‌نمود، در اثری به نام سلوک‌الملوک به مسئله نیروهای نظامی و انتظامی توجه نموده است. او در مباحث این کتاب، به مسائلی مانند اقطاع و هم چنین دارالاسلام و دارالحرب پرداخته است (خنجی، 1362: 306 و 307) و تلاش نموده است که با دیدگاه اهل سنت و به‌ویژه حنفی و شافعی به‌ضرورت تشکیل نیروهای نظامی و انتظامی بپردازد. چنان‌که او اعلام می‌دارد «که هرگاه امام لشکری را فرستد به جنگ کافران باید کسی را بر ایشان امیر سازد و امر کند ایشان را به اطاعت او و بیعت گیرد که فرار نکنند و مردم را ترغیب کند به جهاد» (همان: 404 و 403). خنجی حتی در باب مسائل جزئی مانند اهمیت نصب منجنیق، تیرباران و سنگ‌باران دشمن و حتی قتل و غارت آن‌ها در شرایط خاصی سخن می‌گوید. وی به حضور زنان در جهت امور تدارکاتی نظامی مانند پرستاری، آوردن آب و طبخ غذا نیز توجه نموده است (همان: 402 و

395). خنجی در کتاب خود به مسئله اسرا و غنائم نیز می‌پردازد و قتل غارت، توسط لشکریان و حتی کشتن اسرای مسلمان را بدون مجوز امام، مستوجب دیه و قصاص نمی‌داند و تنها مالی که امام معین می‌کرد باید پرداخت کنند و آن هم به صورت غنیمت دوباره بین مسلمانان تقسیم می‌گردد (همان: 405). جالب آنکه خود وی در صفحات بعدی این اثر به نقل از پیامبر، از عدم قتل عام زنان، کودکان و اسرا سخن گفته است (همان: 410). شاید خنجی تحت تأثیر اوضاع ایران در آستانه به قدرت رسیدن صفویان تلاش داشته است تا خشونت برخی حکام اهل سنت را توجیه کند. خنجی هم‌چنین با توسل به آیات قران و احادیث، به مسئله حفاظت از ثغور توجه نموده است و حفاظت از مرزها را افضل عبادات برشمرده است. از دیدگاه او حافظان مرزها باید نیروهایی قوی‌دل، شجاع و نیرومند باشند. نقش دیگری که خنجی در باب نیروی انتظامی بیان کرده است حفظ نظم و امنیت داخلی جامعه و برخورد با مجرمان می‌باشد (همان: 230-228).

برخی از علمای دوره صفویه نیز به مبانی نظری نیروی نظامی و انتظامی توجه نموده‌اند. از جمله این علمای برجسته می‌توان به محقق کرکی اشاره نمود. کرکی با پرداختن به مسائلی مانند خراج و امر به معروف و نهی از منکر، لزوم داشتن این نیروها را تأکید نموده است. خراج و دریافت آن از مسائل نظامی می‌باشد. وی به نگارش رساله‌ای درباره حلال بودن خراج اقدام نمود که این اثر قاطعه اللجاج فی تحقیق حل الخراج نام دارد (فرهانی منفرد، 1377: 114). بر طبق فتوای کرکی، مناطقی مانند عراق، خراسان، ری و عراق عجم جزو سرزمین‌هایی بودند که توسط حکومت اسلامی فتح شده بودند و اداره آنها با حکومت اسلامی بود. حکومت اسلامی حق داشت آنها را به صورت قراردادی به امرای نظامی واگذار نماید (حسینی‌زاده، 1380: 106). کرکی با این فتوا، راه را برای تصرف اراضی وسیعی توسط حکام نظامی صفویه هموار ساخت و به حکومت صفوی این مجوز را داد تا بتوانند این اراضی را به صورت تیول و یا اشکال دیگری به نظامیان قزلباش واگذار کنند.

از دیگر علمای این دوره سید احمد بن زین‌العابدین علوی است که در کتاب آینه حق‌نما به موضوع جهاد و مقابله با مسیحیان اشاره نموده است. هم‌چنین علی‌قلی جدید الاسلام، کتاب سیف‌المومنین فی قتال‌المشركين را به رشته تحریر درآورد (جمشیدی، 1380: 451). فیض کاشانی نیز از علمایی است که در اندیشه‌ها و تألیفاتش، ضرورت

نیروی نظامی و به‌ویژه انتظامی را اثبات می‌نماید. او در آثارش به مسئله سیاست توجه زیادی نشان داده است و سیاست را رساندن انسان به کمال، قرار دادن در طریق خیر و سعادت، اهتمام بر تدبیر معاش و ساختن جامعه‌ای شایسته حیات بشری می‌داند. به‌رغم آنکه وی سیاست واقعی را تنها سیاست انبیا می‌داند، ولی به سیاست دنیویه یا همان حکومت ملوک و سلاطین نیز جهت حفظ اجتماع مسلمین معتقد است (خالقی، 1387: 28 و 31) و لازمه تشکیل حکومت دنیوی را نیروی نظامی و انتظامی می‌داند. وی در ادامه نظریاتش اعلام می‌دارد که با حکومت سلاطین و حاکمیت آن‌ها احوال مملکت استقامت می‌یابد و استیصال دشمنان حکومت با وجود گرز، تیر و شمشیر میسر می‌باشد (همان: 58). فیض کاشانی هم‌چنین به اموری مانند اقامه حدود و تعزیرات، مقابله با مسائلی مانند فحشا، شرب مسکر، سرقت، احتکار و دفاع از حدود مسلمین در برابر تعرض و هجوم دشمنان نیز پرداخته است و آن‌ها را از وظایف اساسی حکومت برمی‌شمارد (فیض کاشانی، 1401: 19 و 20). درحالی‌که انجام این وظایف بدون نیروی انتظامی قدرتمند میسر نخواهد بود.

علامه محمدباقر مجلسی از علمای برجسته عصر صفویه است که با پرداختن به مسائلی مانند وجود و ضرورت حکومت و هم‌چنین امر به معروف و نهی از منکر به‌نوعی به مبانی نیروی انتظامی توجه کرده است. او معتقد است که رفع نزاع در بین مردم و مقابله با جنایتکاران، بدون وجود حکومت میسر نیست (مجلسی، 1363: 69، 140). در دیدگاه او، وظیفه اصلی حکومت، مبارزه با کسانی است که با تجاوز از حدود الهی موجب ضرر و زیان به مردم گردیده‌اند. وجود حکومت باعث نظم و تدبیر امور و معاش مردم می‌شود (سلطان محمدی، 1389: 66 و 67). او وظیفه دیگر حکومت را اجرای عدالت و امر به معروف و نهی از منکر بیان کرده است و راه‌های اجرای آن‌ها را جهاد و مبارزه با فاسقین دانسته است (طارمی، 1375: 248 و 247). اهمیت نیروی انتظامی در آرای علمای دوره صفوی بیانگر توجه حکومت صفوی به این امور می‌باشد. چنانکه در این دوره داروغه‌ها و کدخدایان، نظم و امنیت شهرها را به عهده داشتند (سیوری، 1374: 177) و هم‌چنین نیروی جزائری مسئول حفظ نظم و امنیت به‌ویژه نگهبانی کاخ‌ها را عهده‌دار بود. آن‌ها هنگام حرکت شاه در شهرها نیز، نظم و امنیت را تأمین می‌کردند (شاردن، 1372: 1195 و 1196).

#### 4. متفکران دیوان سالار و مبانی نظری نیروی نظامی و انتظامی

در آثار اندیشمندان دیوان سالار و به‌ویژه در سیرالملوک‌ها و اندرزنامه‌های دوره اسلامی به جنبه‌های مختلف امور مربوط به نیروی نظامی و انتظامی توجه خاصی شده است. از جمله مهم‌ترین این آثار، می‌توان از *قابوس‌نامه* و *سیاست‌نامه* نام برد. قابوس‌نامه اثری است که عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر برای پسرش گیلان‌شاه نوشت و از میان چهل‌وچهار باب کتاب، دو باب را به این موضوع، اختصاص داده است. او در این اثر هم به پایداری در جنگ و هم به زمان عدم کوشش جهت نبرد اشاره نموده است (عنصرالمعالی، 1345: 98 و 99). از نظر او تشکیل سپاه و به‌تبع آن جنگ جهت احقاق حق است و درعین حال نظامیان را از ریختن خون بی‌گناهان به‌شدت بر حذر می‌دارد. چنان‌که عنوان می‌دارد «که به خون ناحق دلیر مباش و خون هیچ مسلمان حلال مدار الا خون صعلوکان و دزدان و خون کسی که از روی شریعت مثل او واجب شود که بلای جهانی در خون ناحق بسته بود و پیوسته» (همان: 99). توجه وی به برخورد با دزدان و راهزنان، بیانگر اهمیت نیروی انتظامی است. وی در فصلی اختصاصی به ویژگی‌های سپهسالاران می‌پردازد که «سپهسالار باش با لشکر محسن باش و هم از جانب خویش نیکویی کن و هم از خدا نیکویی بخواه. روزی که جنگ باشد بر میمنه و میسره، سالاران جنگ آزموده و جهان‌دیده فرست و شجاع‌ترین سالاران اندر جناح لشکر که پشت لشکر به ایشان باشد» (همان: 223). او حتی به فرستادن جاسوس در میان سپاه دشمن تأکید دارد (همان: 222). این مطالب حاکی از آن است که او به اصول نبرد، آشنایی کامل داشته است و توصیه می‌کند که «لشکر خویش را همیشه دل خوش نگه‌دار. اگر خواهی از جان دریغ ندارند یک لقمه نان و یک قدح نبید بی لشکر مخور» (همان: 225).

خواجه نظام‌الملک وزیر بزرگ دربار سلجوقی در اثری مشهور به *سیاست‌نامه*، با انگیزه ایجاد امنیت و گسترش قلمرو به امور نیروی نظامی و انتظامی توجه نموده است. چنان‌که اشاره می‌کند «هر پادشاهی را لشکر بیشتر بودی ولایت بیشتر و هر که را لشکر کمتر، ولایت کمتر. آن گاه که از لشکر بکاهد از ولایت بکاهد» (خواجه نظام‌الملک، 1388: 208). این سخنان خواجه نظام‌الملک به آن دلیل است که برخی از درباریان ملک‌شاه، اعتقاد به کاهش تعداد سپاهیان و هزینه کردن مخارج مربوط به آن‌ها در دربار داشتند. درحالی‌که خواجه معتقد بود که کم شدن تعداد نظامیان باعث جلب آن‌ها

به‌سوی دشمن و یا شورش و خودسری سپاهیان می‌شود (کسائی، 1374: 63). خواجه نظام‌الملک اقطاع را از مؤثرترین شیوه‌های پرداخت حقوق و مواجب نظامیان برشمرده است و در صورت فقدان اقطاع، پادشاه می‌بایست خود به بهترین وجهی مزایا و حقوق لشکریان را پرداخت کند (خواجه نظام‌الملک، 1388: 123). تأکید خواجه نظام‌الملک بر مسئله نظم و امنیت شهرها و اهمیت مقام محتسب بیانگر دیدگاه او در مورد نیروی انتظامی می‌باشد. خواجه توصیه می‌کند که «به هر شهری محتسبی باید گماشتن و خرید و فروخت‌ها نگاه دارد تا اندر آن راستی رود و در همه چیزها که از اطراف آرند و در بازارها فروشند احتیاط تمام کند و امر به معروف و نهی از منکر کنند» (خواجه نظام‌الملک، 1357: 51).

همان‌طور که در ایران باستان اثری مانند *آیین‌نامه* در مورد چوگان نوشته شد، در ایران دوره اسلامی نیز آثاری به مبانی نظامی و انتظامی اختصاص یافت که مهم‌ترین آن‌ها کتاب *آداب الحرب و الشجاعة* اثر محمد بن منصور بن سعید معروف به مبارکشاه و فخر مدبر در قرن ششم هجری می‌باشد. این کتاب از تخصصی‌ترین تألیفات دوره اسلامی درباره امور نظامی و انتظامی است. مبارکشاه، به‌ویژه در باب هفتم این کتاب، جنبه‌های مختلف نیروی نظامی و انتظامی را برشمرده است. او در مورد جنگ، فضیلت و ثواب به کار بستن سلاح، چگونگی عرض لشکر، امور مربوط به جاسوسی، شبیخون زدن و شیوه‌های آرایش لشکر توسط پادشاهان عجم، رومیان، ترکان و هندوان و حتی روش‌های فتح حصارها مطالبی ذکر کرده است. اهمیت این نیروها در نظر مبارکشاه به صورتی است که تلاش نموده است با ذکر روایاتی از پیامبر اکرم و بزرگان دینی، آن را توجیه کند. چنانکه عنوان می‌دارد، پیامبر به یکی از ثروتمندان اعلام نمود که اگر شش هزار دینار در راه خدا خرج کنی به ثواب یک خواب غازی نرسی (مبارکشاه، 1346: 493). او هم‌چنین از قول سلمان فارسی و به نقل از پیامبر آورده است که هر مجاهدی یک روز در ثغری باشد بهتر از روزه یک ماه می‌باشد. (همان: 395). وی علاوه بر تعالیم اسلامی، تحت تأثیر اندیشه‌های ایران باستان نیز قرار گرفته است. چنانکه در باب مشورت در امور نظامی به سخنان انوشیروان استناد می‌کند که «پادشاه را هیچ‌چیز چنان خوار نکند که در کارهای بزرگ هوا یافتن و رأی صواب را بیرون نتوان آورد مگر به مشورت» (همان: 164). هم‌چنین عنوان می‌دارد که عبدالله بن مقفع گوید: «با حزم‌تر

پادشاه را در جنگ، حاجت آید به وزیر، چنانکه دلیرتر مرد را حاجت آید به سلاح» (همان: 165). مبارکشاه، حتی در باب‌های مختلف این کتاب، مثال‌ها و نمونه‌هایی از تاریخ ایران باستان در کنار تاریخ دوره اسلامی ذکر می‌کند که از آن جمله حکایاتی از بهرام چوبین در باب بیداری و آگاهی سپاهیان است (همان: 340).

از جمله نویسندگان دوره صفوی که به مسائل و مبانی نظامی توجه نموده است، مجدالدین محمد بن ابی‌طالب الحسینی، متخلص به مجدی است که در کتاب خود با عنوان *زینت‌المجالس* به این امور پرداخته است. این اثر در سال 1004 ه.ق به رشته تحریر درآمده، به نوعی یک اندرزنامه می‌باشد که در پایان آن، به صورت خلاصه تاریخ ایران و اسلام تا دوره شاه تهماسب نیز، در برگرفته است. اندیشه‌ها و مبانی نظامی در این کتاب، به طور عمده بر روش‌های جنگی، جهت پیروزی بر دشمن، متمرکز گردیده است. مجدی در اثر خود، انواع حیل‌های نظامی را جهت غلبه بر دشمن، به ویژه در مواقع سخت و ضروری بیان نموده، با ذکر حکایاتی، به شرح آن‌ها پرداخته است (الحسینی، 1342: 339 ، 342 و 357). تأکید این نویسنده بر مسائل نظامی و انتظامی در راه آرمان‌های حکومت صفوی چنان است که کشته‌شدگان نیروی نظامی صفوی در نبرد با دشمنانی مانند عثمانی را شهید قلمداد می‌کند. چنانکه در مورد جنگ چالدران، عنوان می‌دارد که «قورچی باشی و خلفابیک و حسین بیک لله و بسیاری از امرا، شهادت یافتند» (همان: 991). بررسی و تأکید این نویسنده بر حیل‌های نظامی، تحت تأثیر اوضاع دوره صفوی و به ویژه اقدامات نظامی شاه تهماسب مانند روش دفاعی زمین‌های سوخته می‌باشد. شاه تهماسب در نامه‌ی خود به ملک کیومرث رستمدر نیز شکست عثمانی‌ها در حمله‌ای که به تحریک القاص میرزا صورت گرفته بود را به دلیل همین روش تدافعی خود می‌داند و اعلام می‌نماید «که کیفیت نگونساری و معاودت آن طایفه ضاله چنان بود قبل از آمدن ایشان، تمامی غلات و مزروعات که محل عبور و مرور آن طایفه ضاله بود تا دارالسلطنه مذکور سوخته، تمامی ایل و اولوسات و احشامات را از راه کوچانیده بودیم و منبع قنوات و کاریزهای دارالسلطنه را مسدود ساخته بعد از قطع مسافت چهارماهه و کمال ضعف اسب و شتر و عموم لشکر پریشان به دارالسلطنه مزبور رسیدند. عدم آذوقه و علیق به مرتبه‌ای رسیده بود که از آذوقه بالکلیه مایوس گشته و آن مقدار آب جهت آشامیدن و ضروریات کفاف باشد میسر



نبود» (نوائی، 1350: 179). این نامه به گویاترین شکل ممکن، روش‌های تدافعی جنگی شاه‌تهماسب را بیان کرده است.

## 5. مورخان و مبانی نیروی نظامی و انتظامی

در دوره اسلامی تا پایان دوره صفویه، بعضی از مورخان نیز به مبانی نیروی نظامی و انتظامی و جنبه‌های مهم آن، توجه نمودند. حال جهت نمونه به اندیشه‌های برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود. برخی از این مورخان، تلاش نمودند تا با پرداختن به مبانی نظری نظامیان، از آن به‌عنوان ابزاری جهت کسب مشروعیت حکام و توجیه اعمال آن‌ها بهره‌گیرند. شرف‌الدین علی یزدی، مورخ دوره تیموریان، سعی نموده است تا حملات تیمور به هند را جهاد با کفار و در جهت احقاق حقوق مسلمین نشان دهد و اعلام می‌دارد که گروهی از مسلمانان به تظلم و دادخواهی به درگاه تیمور آمدند و «گفتند که ما جماعتی مسلمان هستیم که کافران هر سال مبلغی مال از ما می‌ستانند و باج خراج می‌طلبند و مردان را به قتل آورده و زنان و کودکان را اسیر می‌کنند. پس آن حضرت که تقویت دین و مبارزه با کفار را وجهه همت خود قرار داده بود بی توقف روی به دفع کفار نهاد» (یزدی، 1336: 23). این سخنان یزدی تأکیدی بر اهمیت دفاع از مرزها در برابر دشمنان نیز می‌باشد. در دوره صفویه نیز، اهمیت نیروی نظامی و انتظامی مورد توجه مورخان قرار گرفت. حسن بیگ روملو، نویسنده کتاب *احسن‌التواریخ*، خود ابتدا یک نظامی بود که در رسته قورچیان فعالیت می‌نمود. به همین دلیل توجه خاصی به نظامیان دارد. وی درباره اقدامات شاه اسماعیل دوم چنین عنوان می‌دارد: «لشکریان که استقامت کارخانه سلطنت به جان‌سپاری ایشان مقرر است، مسرور نگاه داشت» (روملو، 1357: 623). به‌واقع، تفکر و سخن روملو، یادآور اندیشه‌های ایران باستان است که از انوشیروان ذکر گردید و دوام و استحکام حکومت را وابسته به این نیروها می‌دانست. توجه مورخان به مبانی این نیروها بدان سبب بود که در طریقت صفوی و رهبران این طریقت، حتی پیش از تشکیل حکومت صفوی مسئله نظامی اهمیت فراوانی داشت. شیخ حیدر، پدر شاه اسماعیل، جهت تسریع در روند دستیابی کامل به قدرت دنیوی، چنان به نظامی‌گری پرداخت که «در خانه‌اش جز کمان چله‌گیر نبود و در خلوتش جز شمشیر سالکی به قطع طریق صفا مشغول نبود. او سپردوزی و تیرتراشی می‌کرد و در

عشایا که سالکان سر به مراقبت پیش می‌افکنند او به تیغ جفا سر مردم برمی‌داشت» (خنجی، 1382: 265). همچنین اهمیت مسئله نظامی برای شیخ حیدر جهت هموار نمودن راه دستیابی به سلطنت چنان بود که خنجی اعلام می‌دارد: «او چندین هزار سرنیزه، جوشن و شمشیر مهیا کرده، بی‌آنکه به دستگیری دیگران محتاج گردد و چون مریدان بر او مجتمع شدند همه را از قورخانه خود اسباب داد» (همان: 267). وجود قورخانه بیان‌گر اهمیت فراوان این مسئله در نزد شیخ حیدر و قزلباشان می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

کشور ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص و هم‌چنین جهان اسلام، بارها مورد حملات مختلف قرار گرفته‌اند. این حملات موجب گسیختگی اوضاع جامعه، از میان رفتن نظم و حتی به خطر افتادن موقعیت حکومت‌های ایرانی و اسلامی و نابودی دستاوردهای مسلمانان شده است. به همین دلیل نیروی نظامی و انتظامی مورد توجه فراوان قرار گرفته است. اندیشمندان ایران اسلامی با بهره‌گیری از مبانی نظری این موضوع در ایران باستان و بهره بردن از قرآن کریم و روایات اسلامی به نظریه‌پردازی در مورد ضرورت و جایگاه نیروی نظامی و انتظامی و جنبه‌های مختلف آن پرداخته‌اند. این اندیشه‌ها در قالب اهمیت مسئله جهاد، مبارزه با مشرکان و آشوبگران داخلی، اجرای حدود و احکام الهی، ایجاد نظم و به‌ویژه تشکیل و استواری حکومت‌های اسلامی تبلور یافته است. ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، وظایف امام و وابستگی این امور به این نیروها از جمله مبانی بود که در آثار و اندیشه‌های علمای اهل سنت و تشیع به صورت مشترکی متبلور شده بود. در این آثار، به جنبه‌های مختلف نیروهای نظامی و انتظامی مانند تقسیم غنائم، رعایت حقوق اسلامی توسط نظامیان، تدارکات لشکر، حفاظت از مرزها، ایجاد امنیت، مسئله اقطاع و خراج توجه شده است. تا پیش از حمله مغول، به شکل عمده، طرح مبانی نظامی و انتظامی و اهمیت آن از سوی فقهای اهل سنت جهت دفاع از کیان خلافت عباسی بوده است. دیوان‌سالاران متفکر نیز به دلیل آنکه تمرکز حکومت‌ها وابسته به عملکرد نظامیان و نیروهای انتظامی بود و هم‌چنین به علت اهمیت اموری مانند گسترش قلمرو، مبارزه با ناامنی‌های داخلی و رفع اختلاف میان اهل شمشیر و اهل قلم به مبانی این مسئله توجه نمودند. در واقع اداره منظم اوضاع توسط

دیوان سالاران به نیروهای نظامی و انتظامی متکی بود. پس از حمله مغول، توجه به این امور جهت تمرکز بخشیدن هر چه بیشتر به حکومت‌ها و مهار نیروی گریز از مرکز نظامیان بوده است. همچنین هر دو گروه عالمان و دیوان سالاران، متناسب با اوضاع ایران و جهان اسلام به تبیین اندیشه‌های خود پرداخته‌اند. چنان‌که جنگ‌های صلیبی، حملات مغول و سقوط خلافت عباسیان، روی کار آمدن تیموریان و ترکمانان و به‌ویژه تشکیل حکومت صفویه در شکل‌گیری مبانی نظری نیروی نظامی و انتظامی تأثیر فراوان داشته است و به نوعی شکل‌گیری این‌گونه اندیشه‌ها، متأثر از شرایط اجتماعی و اوضاع سیاسی بوده است.

## منابع

- آموزگار، ژاله (1374) تاریخ اساطیری ایران، تهران، نشر سمت.
- ابن مسکویه، احمد بن علی (1369) تجارب الامم، جلد 1، ترجمه ابوالقاسم امامی و علی نقی منزوی، تهران، نشر توس.
- الحسینی، مجدالدین محمد (1342) زینت المجالس، تهران، نشر سنائی.
- اوستا (1343) نگارش جلیل دوستخواه، تهران، نشر مروارید.
- اینوستراتنسف، کنستانتین (1348) مطالعاتی درباره ساسانیان، ترجمه کاظم کاظمزاده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بلعمی، ابوعلی محمد (1337) تاریخ بلعمی، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران، نشر خیام.
- توسی، خواجه نصیرالدین، گشایش نامه «دو رساله در اخلاق» (1341) به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- جمشید نژاد، غلامرضا (1338) آرمان‌شهر فارابی، تهران، نشر همشهری.
- جمشیدی، محمدحسین (1380) تاریخ نظامی ایران، تهران، نشر دوره ملی جنگ.
- حسینی زاده، سید محمدعلی (1380) اندیشه‌های سیاسی محقق کرکی، قم، نشر بوستان کتاب.
- خالقی، علی (1387) اندیشه‌های سیاسی فیض کاشانی، قم، نشر بوستان کتاب.
- خنجی، فضل‌الله بن روزبهان (1362) سلوک الملوک، به کوشش محمدعلی موحد، تهران، نشر خوارزمی.
- \_\_\_\_\_، (1382) تاریخ عالم‌آرای امینی، تصحیح دکتر عشیق، تهران، نشر میراث مکتوب.
- خواجه نظام الملک (1388) سیاست‌نامه، به کوشش عباس اقبال، تهران، نشر اساطیر.
- \_\_\_\_\_، (1357) سیاست‌نامه، به کوشش محمد قزوینی، تهران، نشر زوار.
- داوری اردکانی، رضا (1382) فارابی فیلسوف فرهنگ، تهران، نشر ساقی.
- دین مهر در جهان باستان (1380) مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهر شناسی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، نشر توس.
- رضی، هاشم (1341) آئین مهر، تهران، نشر بهجت.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (1373) فرار از مدرسه، تهران، نشر امیرکبیر.

- راوندی، مرتضی (1382) تاریخ اجتماعی ایران، جلد 4، تهران، نشر نگاه.
- روملو، حسن بیگ (1357) احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران، نشر بابک.
- سلطان محمدی، ابوالفضل (1389) اندیشه سیاسی علامه مجلسی، قم، نشر بوستان کتاب.
- سیوری، راجر (1372) ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
- شاردن، ژان (1372) سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، نشر توس.
- شهبازی، علیرضا (1375) ارتش در ایران باستان، مجله باستان‌شناسی، شماره دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- طارمی، حسن (1375) علامه مجلسی، تهران، نشر طرح نو.
- طبری، محمد بن جریر (1385) تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر اساطیر.
- ظریفیان، غلامرضا (1376) دین و دولت در اسلام، تهران، نشر میراث ملل.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (1345) قابوس‌نامه، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- غزالی طوسی، امام محمد بن محمد بن محمد (1361) نصیحه الملوک، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، انتشارات بابک.
- فارابی (1371) التنبیه علی سبیل السعاده، به کوشش جعفر آل یاسین، تهران، انتشارات حکمت.
- فردوسی، ابوالقاسم (1386) شاهنامه، تهران، نشر عقیل.
- فرهانی منفرد، مهدی (1377) مهاجرت علمای شیعه از جیل عامل به ایران در عصر صفوی، تهران، نشر امیرکبیر.
- فیض کاشانی، ملا محسن (1401) مفاتیح الشرائع، قم، انتشارات خیام.
- قرآن کریم.
- کارنامه اردشیر بابکان (1369) به اهتمام قاسم هاشمی نژاد، تهران، نشر مرکز.
- کسائی، نورالله (1374) مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران، نشر امیرکبیر.
- لائوست، هانری (1355) سیاست و غزالی، ترجمه مهدی مظفری، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد (2001) الاحکام السلطانیه، تحقیق محمد جاسم الحدیثی، بغداد، المجمعہ العلمی.
- مجلسی، محمدباقر (1403) بحار الانوار، بیروت، موسسه وفاء.
- \_\_\_\_\_ (1363) عین الحیات، تهران، انتشارات رشیدی.
- محمد بن منصور بن سعید (مبارکشاه) (1346) آداب الحرب والشجاعه، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، نشر اقبال.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (1344) مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نعمه، عبدالله (1367) فلاسفه شیعه، ترجمه سید جعفر غضبان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- نوایی، عبدالحسین (1350) اسناد و مکاتبات تاریخی شاه تهماسب، تهران، نشر بنیاد فرهنگ ایران.
- نهج البلاغه (1389) ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات اشکذر.
- ویدن گرن، تئو (1376) مانی و تعلیمات او، ترجمه زهت صفای اصفهانی، تهران، نشر مرکز.
- یزدی، شرفالدین علی (1336) ظفرنامه، تهران، نشر امیرکبیر.